

یکی از اشکالات من در عالم مادی ، چه معنوی بی صبری است. البته با گوش کردن گنج حضور این اشکال کمی بهبود یافت ولی باز در شرایطی عود می‌کند و لطمه و ضررهای آن را می‌بینم. از جمله بی صبری در چالش‌ها یا در شرایطی که باید درد هشیارانه بکشم که یاد آن داستان آن قزوینی می‌افتم که از خالکوبی فرار می‌کرد و یا بی صبری در بی‌واکنش بودن در مقابل تحریکات بیرون که یاد آور داستان آب خوردن اسب مادر و گرّه‌اش در کنار سوت زنان هست برای من.

در این راستا ابیاتی در مورد صبر با توضیح کوتاهی از برنامه ۶۱۱ می‌خواستم ارائه دهم به امید صبر بیشتر.

در آیه ای از قرآن، سوره معارج آیه شماره ۵ داشتیم که:

فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا: پس صبر کن، صبری نیکو.
-قرآن، سوره معارج، آیه ۵

در تعریف صبر فرمودین: صبر نیکو یعنی صبر توأم با خشنودی، رضا نه همراه با ناله و شکایت. صبر در راستای قانون مزرعه که ما کوشش کنیم، پرهیز کنیم، شکر کنیم البته نه با ذهن، که در غزل ۱۹۴۸ داشتیم:

تا تراشیده نگردي تو به تیشه صبر و شکر
لَا يُلْقَاهَا فَرُو مِي خَوَانِ وَالصَّابِرُونَ
-مولوی، دیوان شمس، غزل ۱۹۴۸

در تفسیر این بیت فرمودین که : هشیاری رفته ناخالصی‌هایی به خودش چسبانده و تیشه خدا لحظه به لحظه این را می‌زند و ما باید صبری نیکو همراه با شکر داشته باشیم. در صورتیکه من‌ذهنی، صبر را دوست ندارد و دائم حتی برای دردهای خود نیز از دیگران (credit کردیت) می‌خواهد. هر اتفاقی که می‌افتد ما باید دست زندگی را در پشت آن ببینیم، وقتی کسی از ما انتقاد می‌کند، شکر کنیم که باعث شده که ما یک هم هویت شدگی و یک درد را ببینیم و اگر متوجه شدیم من‌ذهنی ناجور داریم، نترسیم و فرار نکنیم چون این من‌ذهنی، ما نیستیم. لَا يُلْقَاهَا فَرُو مِي خَوَانِ وَالصَّابِرُونَ یعنی تنها صبرکنندگان مزه زندگی را می‌فهمند چون من‌ذهنی تا صبر نکند، اعتراض می‌کند و شکایت می‌کند یا خشمگین می‌شود.

در آیه ۸۰ سوره قصص داشتیم که:

و کسانی که دانش [واقعی] یافته بودند گفتند وای بر شما! برای کسی که گرویده و کار شایسته کرده پاداش خدا بهتر است.

—قرآن، سوره قصص، آیه ۸۰

من‌های ذهنی که درد دارند و هم هویت اند، مقاومت می‌کنند و نمی‌فهمند که پاداش خدا بهتر است و همین پاداش‌های دنیایی را می‌خواهند ولی آنها که زنده شدند، صبر نیکو دارند و در می‌یابند آنچه از طرف زندگی می‌آید آن عشق و زیبایی و خرد بهتر است.

صبر از ایمان بیابد سرگله
حَيْثَ لَا صَبْرَ فَلَا إِيْمَانُ لَهُ

—مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۶۰۰

اگر ما می‌دانیم که خداییت هستیم و متکی به خودمان هستیم باید توکل داشته باشیم، پس از کنده شدن چیزی نترسیم و ذهنا نگوییم همه چیز فانی است و شک نداشته باشیم.

گفت پیغمبر خدای ایمان نداد
هر که را صبری نباشد در نهاد

—مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۶۰۱

گفت لقمان صبر هم نیکو دمی ست
که پناه و دافع هر جا غمی ست

صبر را با حق قرین کرد ای فلان
آخر والعصر را آگه بخوان

—مولوی، مثنوی، دفتر سوم، ابیات ۱۸۵۲ و ۱۸۵۳

صبر یک نسیم زنده‌کننده‌ای است که پناهگاه و دفع‌کننده هر غمی است و خدا صبر را با خودش قرین کرده است. در سوره والعصر گفته شد: انسان از جنس هشیاری است و باید به بی‌نهایت و ابدیت این لحظه زنده باشد در مقابل گذشته و آینده و گرنه در زیانکاری است و به خودش و دیگران آسیب می‌زند و دردهایش پایه تصمیمش

قرار می‌گیرد. ولی کسی که ایمان داشته باشد صبر می‌کند و وقتی حرکت می‌کند خودش و دیگران را به صبر خدا ترغیب می‌کند و کسی را به واکنش و انمیدارد و همه در آغوش مهرش جا می‌گیرند.

صدهزاران کیمیا حق آفرید
کیمیایی همچو صبر آدم ندید
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۱۸۵۴-

صبر جمله انبیا با منکران
کردشان خاص حق و صاحب قران
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۱۴۱۰-

صبر در مقابل انسان‌هایی که منکر هستند و درد خود و من‌ذهنی را دوست دارند، صبر انبیا با این افراد نتیجه داده و به همین دلیل خداوند به پیغمبران علاقه دارد.

ما هم اگر بچه مان جیغ می‌زند، صبر کنیم، بغلش کنیم، بوسش کنیم، نرمش نشان بدهیم و من مان صفر بشود، دردمان صفر بشود، آغوش مهرماه را باز کنیم این صبر است. در حالیکه من ذهنی می‌گوید یک داد بزن با خشم و صدایت را بالا ببر و آن بچه هم ساکت می‌شود ولی برای همیشه یادش می‌ماند.

هر که را بینی یکی جامه درست
دان که او آن را به صبر و کسب جست

هر که را دیدی برهنه بی‌نوا
هست بر بی‌صبری او آن گواه
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم، ابیات ۱۴۱۱ و ۱۴۱۲-

هر کسی برهنه و بی‌نوا است در عالم مادی، همینطور در عالم معنوی، هیچ حضوری ندارد و سالها هم زحمت کشیده، بدان که بی‌صبر بوده است.

کوری خود را مکن زین گفت فاش
خامش و در انتظار فضل باش

در میان روز گفتن روز کو؟
خویش رسوا کردن است، ای روز جو!
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، ابیات ۲۷۲۳ و ۲۷۲۴

با من ذهنی حرف نزن، شکایت نکن، خامش باش و در انتظار بخشش خداوند باش. ای کسی که با ذهنت روز می‌جویی و می‌خواهی در آینده به حضور برسی، ما الان در حضور هستیم، چون انسان آفریده شده‌ایم. فقط با شکایت و اعتراض و ستیزه و مقاومت فضا را بسته‌ایم.

اگر شناسایی کنی برگردی و فقط خدا را ستایش کنی، می‌فهمی که روز است. پس خاموش باش، حرف نزن، دیگران را عوض نکن، نصیحت نکن، انتقاد نکن، سوال نکن.

صبر و خاموشی جذوب رحمت است
وین نشان جستن نشان علت است

انصتو بپذیر تا بر جان تو
آید از جانان جزای انصتوا
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، ابیات ۲۷۲۵ و ۲۷۲۶

هر کسی صبر می‌کند، خاموش است، اندازه نمی‌گیرد که چقدر زنده شدم؟ اعتراض نمی‌کند و بسیار جذب کننده رحمت خداوند است. برای این کار نباید از چیزی که ذهن نشان می‌دهد چیزی بخواهیم و به جهان نرویم و گرنه این نشان مرض همانیدگی است. پس ساکت باش تا پاداش خاموشی از خدا بر جان تو بیاید.

ما همی گفتیم کم نال از حَرَج
صبر کن، کَالصَّبْرِ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ

این کلید صبر را اکنون چه شد؟
ای عجب، منسوخ شد قانون؟! چه شد؟
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم، ابیات ۳۸۹۴ و ۳۸۹۵

از تنگنا، درد، فشار و گرفتاری ننال، بنظر می‌آید چیزهایی که دارد اتفاق می‌فتد بسیار مهم هستند و ما را دارند خرد می‌کنند و هر چیزی معنی خودش را برای ذهن ما دارد، اما اصلاً ننال چون نالیدن، شکایت و ایرادگرفتن و

خشم ذهن را درست می‌کند. صبر کن برای اینکه صبر کلید گشایش است. صبر، یعنی بی مقاومتی، کلید هست. قانون صبر که قانون خداست منسوخ نمی‌شود. ما یادمان رفته، قانون صبر هنوز هست.

و در آخر دو بیت از برنامه ۹۰۳ را خدمتتان می‌خوانم:

ای آنکه تو یوسف منی من یعقوب
ای آنکه تو صحت تنی من ایوب

من خود چه کسم، ای همه را تو محبوب؟
من دست همی زنم، تو پای می‌کوب
-مولوی، رباعی شماره ۸۶

فرمودید خصوصیت بارز حضرت یعقوب و حضرت ایوب صبر هست. انشالله مرض بی صبری درمان بشه و ما هم صبری نیکو داشته باشیم.

با عشق و احترام 

نرگس از نروژ 